

تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی منطقه کلانشهری تهران (مطالعه موردی: اسلام‌آباد، صالح‌آباد)

سعید زنگنه شهرکی* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
جواد گلین شریف ادینی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
داود حسن‌زاده - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
زهرا سالاری مقدم - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۸/۲۷ تأیید نهایی: ۱۳۹۲/۰۲/۲۳

چکیده

در سال‌های اخیر، مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری مورد توجه گسترده بوده است. متأسفانه در بیشتر کلانشهرهای ایران، شاهد معضلی به نام سکونتگاه‌های غیر رسمی هستیم که دارای کیفیت زندگی چندان مناسبی نیستند. در این پژوهش، کیفیت زندگی در دو سکونتگاه غیر رسمی کلانشهر تهران (صالح‌آباد و اسلام‌آباد) با رویکرد ذهنی بررسی شده است. برای انجام پژوهش، دویست نمونه از بین ساکنان شهر اسلام‌آباد و صالح‌آباد به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند و با استفاده از شاخص‌های ذهنی، کیفیت زندگی در این دو شهر مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش با مراجعه حضوری به مناطق مورد مطالعه (اسلام‌آباد و صالح‌آباد)، داده‌های مورد نیاز به شیوه‌های مشاهده، مصاحبه و مهم‌تر از همه، تکمیل پرسش‌نامه، جمع‌آوری شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان سرانه‌های مختلف و برخورداری از امکانات مورد نیاز در این سکونتگاه‌ها وضعیت چندان مناسبی ندارند که این موضوع، پایین بودن میزان رضایتمندی ساکنان را به دنبال داشته است. همچنین اثبات شد میزان رضایتمندی از وضعیت کیفیت زندگی در بین ساکنان دو منطقه صالح‌آباد و اسلام‌آباد، تفاوت معنادار دارد و سکونتگاه اسلام‌آباد کیفیت زندگی بالاتری از صالح‌آباد دارد. ضمن اینکه در صالح‌آباد، مهم‌ترین عامل مؤثر بر کیفیت زندگی، عامل اقتصادی و امنیتی و متغیرهای آن بوده، اما در اسلام‌آباد، عامل وضعیت بهزیستی با متغیرهای مربوطه، مهم‌ترین عامل اثرگذار شناخته شد. در نهایت با توجه به نتایج پژوهش، در راستای راهبرد توانمندسازی این سکونتگاه‌ها و ارتقای کیفی آنها، پیشنهادهایی مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، رویکرد ذهنی، سکونتگاه غیر رسمی، کلانشهرها، کیفیت زندگی.

مقدمه

در سال‌های اخیر، مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری مورد توجه گسترده بوده است. محققان رشته‌های گوناگونی چون شهرسازی، جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی، علوم سیاسی، بازاریابی و مدیریت، در این عرصه مشارکت داشته‌اند. اما این مطالعات از جنبه‌های متعددی، مانند مقیاس مطالعه، قلمروهای مورد استفاده و روش‌های سنجش کیفیت زندگی، متفاوت هستند. به این ترتیب که روش‌های گوناگونی برای مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری به کار گرفته شده است. با وجود این تا کنون چارچوب جامع، یکپارچه و کل‌گرایانه متکی بر شاخص‌های فیزیکی، مکانی و اجتماعی، برای مطالعه کیفیت زندگی ارائه نشده است (کمپ، ۲۰۰۳).

مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسئله‌دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی، تأثیر عوامل اجتماعی - جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و استراتژی‌ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند. در این راستا، سانتوس و مارتینز اشاره می‌کنند که مشارکت اجتماع محلی در مطالعات کیفیت زندگی، می‌تواند پشتیبان مهمی برای تعیین سیاست‌ها و اهداف بلندمدت باشد (سانتوس و مارتینز، ۲۰۰۷: ۴۱۳).

کیفیت زندگی اغلب با شاخص‌های عینی یا شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود و به‌ندرت دیده شده که هر دو نوع شاخص برای سنجش کیفیت زندگی استفاده شود (رضوانی و رجایی، ۱۳۸۷: ۳۷). شاخص‌های ذهنی از پیمایش ادراکات، ارزیابی‌ها و رضایت ساکنان از زندگی شهری به‌دست می‌آیند؛ در حالی که شاخص‌های عینی مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند و اغلب از داده‌های ثانویه به‌دست می‌آیند.

متأسفانه در بیشتر کلانشهرهای ایران، شاهد معضلی به نام سکونتگاه‌های غیر رسمی هستیم. اسکان غیر رسمی، نه به‌منزله یک عامل، بلکه معلول فقر و زائیده تحولات اقتصادی - اجتماعی کشور است (قرخلو و شریفی، ۱۳۸۳). کلانشهر تهران نیز سال‌هاست که با معضل سکونتگاه‌های غیر رسمی دست به‌گریبان است. بی‌شک روند تحولات کشور در چند دهه گذشته، سهم زیادی در ایجاد این سکونتگاه‌ها در کلانشهر تهران یا پایتخت کشور داشته است. در گذر زمان، این سکونتگاه‌ها جزئی از شهر تهران شدند و با فرو رفتن در حلقه‌های توسعه، چاره‌ای جز توجه به این نقاط و ساماندهی آنها نیست. در راستای ساماندهی و توانمندکردن این سکونتگاه‌ها، بررسی کیفیت زندگی کمک زیادی به شناخت وضع موجود و برنامه‌ریزی برای آینده آنها خواهد کرد.

کیفیت زندگی به‌شدت متأثر از زمان و مکان است و مؤلفه‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده آن با توجه به دوره زمانی و مکان جغرافیایی، متفاوتند. بنابراین تصمیم بر این شد که دو سکونتگاه غیر رسمی کلانشهر تهران در دو نقطه متفاوت بررسی شود تا شرایط خوبی برای مقایسه نیز فراهم آید. سکونتگاه غیر رسمی صالح‌آباد، در جنوب تهران با فاصله ۲۴ کیلومتری از آن قرار دارد و سکونتگاه غیر رسمی اسلام‌آباد، در بخش شمالی کلانشهر تهران و درون آن شکل گرفته است. صرف نظر از موقعیت جغرافیایی متفاوت این دو سکونتگاه، دلایل اصلی شکل‌گیری آنها نیز متفاوت است. ضمن اینکه رویکرد مورد نظر برای بررسی کیفیت زندگی در این نوشتار، رویکرد ذهنی است؛ زیرا نظر نگارندگان بر این است که در راستای تحقق برنامه‌ریزی پایین به بالا در این سکونتگاه‌ها و پرهیز از تجویز نسخه‌های مشابه برای

سکونتگاه‌های متفاوت، بیشتر از آنکه نیاز به شناسایی شاخص‌های عینی و قابل مشاهده باشیم، نیازمند شناسایی شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی و سطح توقع، آرزوها، اهداف و خواسته‌های جداگانه ساکنان هر کدام از سکونتگاه‌ها هستیم. ضمن اینکه به دلیل کمبود داده‌های عینی، ترجیح داده شد از رویکرد ذهنی استفاده شود. در این راستا سؤال‌های پژوهش بدین شرح مطرح شده‌اند:

۱. آیا بین وضعیت کیفیت زندگی در دو جامعه صالح‌آباد و اسلام‌آباد تفاوت وجود دارد؟
۲. مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار در وضعیت کیفیت زندگی سکونتگاه‌های صالح‌آباد و اسلام‌آباد چیست؟
فرضیه‌های پژوهش نیز به شرح زیر هستند:
۱. به نظر می‌رسد میزان رضایتمندی از کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی اسلام‌آباد و صالح‌آباد، دارای تفاوت معنادار است؛
۲. به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های اقتصادی، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی است.

مبانی نظری

کیفیت زندگی

واژه کیفیت زندگی سرچشمه روشنی ندارد. کیفیت زندگی اگرچه جذابیت و معنای عام دارد، اما از تعریف پذیرفته عامی برخوردار نیست. هر جمله‌ای که در تعریف کیفیت زندگی به کار رود، به کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگی‌اش و دریافت‌ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل و نیز از خودش، وابسته است (لطفی، ۱۳۸۸: ۶۵).

مفهوم کیفیت زندگی چند مشخصه جالب دارد. اول، اینکه تنها به زندگی انسانی ارجاع دارد؛ دوم، به ندرت در صیغه جمع به کار رفته (به صورت کیفیات زندگی) است؛ سوم، یک عبارت عام بوده و قابل تقسیم نیست و معنایش می‌تواند ناب و خالص باشد و چهارم، مشکل می‌توان آن را به رده مجزا از علوم مرتبط با جامعه‌شناسی طبقه‌بندی کرد (دیسارت، ۲۰۰۰).

رامنی، براون و فرای (۱۹۹۴) در پاسخ به اینکه چرا تعریف جهانشمول پذیرفته‌ای از کیفیت زندگی وجود ندارد، دلایل زیر را بیان کرده‌اند:

۱. فرایندهای درونی و ذهنی وابسته به تجارب کیفیت زندگی، می‌توانند از طریق فیلترها (و دیدگاه‌ها) و بیان‌های مختلف توضیح داده و تفسیر شوند؛
۲. مفهوم کیفیت زندگی بسیار سنگین و مبهم است؛
۳. مفهوم کیفیت زندگی، فهمیدن رشد بشر و فرایندهای توسعه‌ای، میانگین امید به زندگی افراد در جوامعشان و گستره‌ای را دربردارد که این فرایندهای روان‌شناختی، تحت تأثیر عوامل محیطی و نظام‌های ارزش‌گذاری انفرادی هستند (رامنی و همکاران، ۱۹۹۴).

کیفیت زندگی، موضوعی چندرشته‌ای و چندشاخه‌ای است؛ از این رو مفهومی چند بعدی دارد (اولنگیون، ۲۰۰۱). لیو در سال ۱۹۸۳، کیفیت زندگی را نامی شیک برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در محیط زندگی‌شان

توصیف کرده است. اسمیت (۱۹۹۳) آن را بهزیستی اجتماعی^۱ و آندروز (۱۹۸۳) رفاه عمومی^۲ می‌داند. مولر (۱۹۸۳) کیفیت زندگی را میزان رفاه افراد و گروه‌ها، تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی تعریف می‌کند (مولر، ۱۹۸۳). گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی^۳، کیفیت زندگی را ادراک فردی از وضعیت زندگی در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی جامعه و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها، علایق و نگرانی‌های فرد توصیف می‌کند. فو (۲۰۰۰) کیفیت زندگی را رضایت کلی فرد از زندگی می‌داند. داس (۲۰۰۸) کیفیت زندگی را در بهزیستی یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها خلاصه کرده است.

کیفیت زندگی یک مفهوم پیچیده و چندبعدی در رابطه با وضعیت جمعیت در یک مقیاس جغرافیایی خاص (روستا، شهر، کشور و...) است که هم متکی به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص‌های عینی یا کمی است (کوکبی، محمدجعفر و تقوی، ۱۳۸۵).

معنای کیفیت زندگی بسیار متفاوت است؛ زیرا از آن به‌طور گوناگونی استفاده شده، اما در کل می‌توان گفت، کیفیت زندگی اشاره به وضعیت محیط زندگی مردم (برای مثال آلودگی هوا، آب یا مشکل مسکن) و برخی از خصوصیات خود مردم (مانند سلامت و موفقیت‌های تحصیلی) دارد (پاسیون، ۱۹۸۶).

براین اساس با نگاهی گذرا به تعاریف بالا، می‌توان واژگان کلیدی مورد استفاده در تعریف کیفیت زندگی را در واژگانی چون واقعیات عینی، ادراک ذهنی، بهزیستی، برخورداری، محیط فیزیکی و رضایت از زندگی، خلاصه کرد. درنهایت می‌توان تعریف پاسیون از کیفیت زندگی را کامل‌ترین تعریف دانست. کیفیت زندگی، شادکامی یا رضایت افراد از زندگی و محیط، شامل نیازها و آرزوها، سبک زندگی و سایر عوامل ملموس و غیر ملموس است که بهزیستی کلی را تعیین می‌کنند. تعریف جغرافیایی کیفیت زندگی، دربرگیرنده مفهوم بهزیستی فردی است، اما در آن بیشتر تمرکز بر مکان است تا فرد. تعریف جغرافیایی کیفیت زندگی، دربرگیرنده اندازه‌های عینی و ذهنی شرایط اجتماعی و محیطی در یک مکان و چگونگی ادراک این شرایط توسط مردم ساکن آن مکان است (پاسیون، ۲۰۰۶).

رویکردهای کیفیت زندگی شهری

کیفیت زندگی شهری دو رویکرد عمده دارد: رویکرد عینی و رویکرد ذهنی (لی، ۲۰۰۸). پژوهش پیش رو با رویکرد ذهنی کیفیت زندگی را بررسی می‌کند، بنابراین فقط به تعریف رویکرد ذهنی پرداخته می‌شود.

کیفیت ذهنی زندگی

کیفیت ذهنی زندگی، بازتابی از ادراک مردم در مورد وضعیت زندگی‌شان است که با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. شاخص‌های ذهنی برپایه چگونگی درک و توصیف مردم از وضع خود استوارند (کمپ، ۱۹۷۶) و برای ارزیابی افراد از وضعیت عینی زندگی استفاده می‌شوند (داس، ۲۰۰۸). این شاخص‌ها از پیمایش ادراک، رضایت و

1. Social well-being

2. General welfare

3. WHOQOL Group

ارزیابی شهروندان از زندگی‌شان به دست می‌آیند. شاخص‌های ذهنی، سطح رضایت ابرازشدهٔ افراد و گروه‌ها را ارزیابی می‌کند که در اصطلاح بهزیستی ذهنی نامیده می‌شود (کستانزا، ۲۰۰۶). این شاخص‌ها مبتنی بر گزارش‌های شخصی افراد از ادراکاتشان در مورد جنبه‌های مختلف زندگی است و میزان رضایت افراد و گروه‌ها را از تأمین نیازهایشان مورد بررسی قرار می‌دهند. این شاخص‌ها که مکمل متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی هستند، ادراکات و ارزشیابی‌های افراد را از وضعیت عینی و ملموس زندگی‌شان نمایش می‌دهند. کیفیت ذهنی زندگی، اغلب با استفاده از مقیاس لیکرت اندازه‌گیری می‌شود؛ اگرچه معمولاً دامنهٔ معینی برای این کار وجود ندارد. برای مثال، فو (۲۰۰۰) از طیف لیکرت پنج‌مقیاسی با دامنه‌ای از خیلی ناراضی تا خیلی راضی استفاده کرده است؛ در حالی که بررتون (۲۰۰۸) از طیف لیکرت هفت‌مقیاسی استفاده کرده‌اند.

کیفیت ذهنی زندگی را می‌توان با روش‌های گوناگونی اندازه‌گیری کرد. در یکی از مهم‌ترین روش‌ها، کیفیت ذهنی زندگی می‌تواند میزان تجمعی از سطح رضایت در قلمروهای مختلف زندگی باشد. بر اساس این، روش زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم‌شده و ترکیب میزان رضایت حاصل از هر یک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان می‌دهد. در این روش، کیفیت زندگی در کل یک مجموعهٔ وزن داده شده از میزان رضایت در قلمروها و جنبه‌های مختلف زندگی است. در روش دیگر، کیفیت ذهنی زندگی برحسب رضایت کلی افراد از زندگی و در مقیاس یک کل اندازه‌گیری می‌شود. در این روش میزان رضایت کلی از زندگی، معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی به دست می‌آید. در روش شهودی، افراد در مورد زندگی خود در مقیاس یک کل مورد سؤال قرار می‌گیرند. اما در روش منطقی، ابتدا از افراد در مورد احساس خود از قلمروهای مختلف زندگی، همچون مسکن، محیط طبیعی، امنیت، شغل، درآمد و... سؤال می‌شود و هنگامی که افراد به این سؤال‌ها پاسخ دادند، در مورد احساس آنها از زندگی در مقیاس یک کل پرسش می‌شود. در نتیجه آنها می‌توانند با توجه به جنبه‌های مختلف زندگی پاسخی منطقی بدهند. اندازه‌گیری هر دو پاسخ شهودی و منطقی، به بررسی این موضوع کمک می‌کند که دریابیم در دیدگاه افراد در مورد احساس آنها نسبت به زندگی، پس از توجه به قلمروهای مختلف زندگی، تغییری وجود دارد یا خیر (داس، ۲۰۰۸). ابراهیم و چانگ (۲۰۰۳) بر این باورند که استفاده از هر دو پاسخ، دستیابی به سنجش‌های دقیق‌تر کیفیت ذهنی زندگی را تسهیل می‌کند. لی (۲۰۰۸) بیان می‌کند که کیفیت باید ذهنی باشد و مناسب‌ترین شیوه برای کشف کیفیت زندگی، پرسیدن ادراک مردم از زندگی آنهاست. ابراهیم و چانگ (۲۰۰۳) معتقدند که شاخص‌های ذهنی برای اهداف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، نسبت به شاخص‌های عینی بهتر هستند؛ زیرا این شاخص‌ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فراهم می‌کنند. با وجود این، شاخص‌های ذهنی پایایی کمتر و قابلیت اطمینان بیشتری دارند. یکی از دلایل پایایی کمتر گزارش‌های ذهنی، ناتوانی این شاخص‌ها برای نمایش وضعیت محیط زندگی مردم است (داس، ۲۰۰۸). برامستون و همکاران (۲۰۰۲)، ابراهیم و چانگ (۲۰۰۳)، مک‌کری و همکاران (۲۰۰۶) و لی (۲۰۰۸)، از جمله محققانی هستند که از شاخص‌های ذهنی برای سنجش کیفیت زندگی استفاده کرده‌اند. با وجود این، شاخص‌های ذهنی پایایی کمتر و قابلیت اطمینان بیشتری دارند. به باور داس (۲۰۰۸)، یکی از دلایل پایایی کم گزارش‌های ذهنی، این است که شاخص‌های ذهنی نمی‌توانند وضعیت محیطی را توصیف کنند که مردم در آن زندگی می‌کنند.

حاشیه‌نشینی یا سکونتگاه غیر رسمی

تا کنون تعاریف مختلفی در مورد حاشیه‌نشینی ارائه شده است که در اغلب موارد منظور استعمال کلمه slum بوده است. Slum به مفهوم محله یا کوچه‌های کثیف یک شهر یا مسکن انحطاط‌یافته و غیر منطقی در نظر گرفته می‌شود (دلیر، ۱۳۶۱: ۵).

منطقه حاشیه‌نشین، منطقه‌ای است که فقر به شدت در سیمای آن نمایان است و میزان زادوولد و مرگ‌ومیر کودکان و نوزادان و اعمال نامشروع، جرم و بزهکاری جوانان، ناهنجاری‌ها و مرگ‌ومیر عمومی در آن بالاست؛ به طوری که چنین مکانی معرف وضعیتی جهنم‌گونه در روی زمین است (هیراسکار، ۱۳۷۶: ۱۰۸).

حاشیه‌نشین به مفهوم کلی به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد، ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. گرچه ریشه اصلی حاشیه‌نشینی را باید در عواملی جست‌وجو کرد که موجب مهاجرت افراد از روستا به شهر می‌شود، ولی تمام حاشیه‌نشینان از مهاجران تشکیل نشده‌اند، بلکه بخشی از آنان افرادی هستند که ساکنان همیشگی شهر بوده‌اند، اما به دلیل فقر اقتصادی، در واحدهای مسکونی غیر استاندارد زندگی می‌کنند و جزء حاشیه‌نشینان به‌شمار می‌روند (عابدین درکوش، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

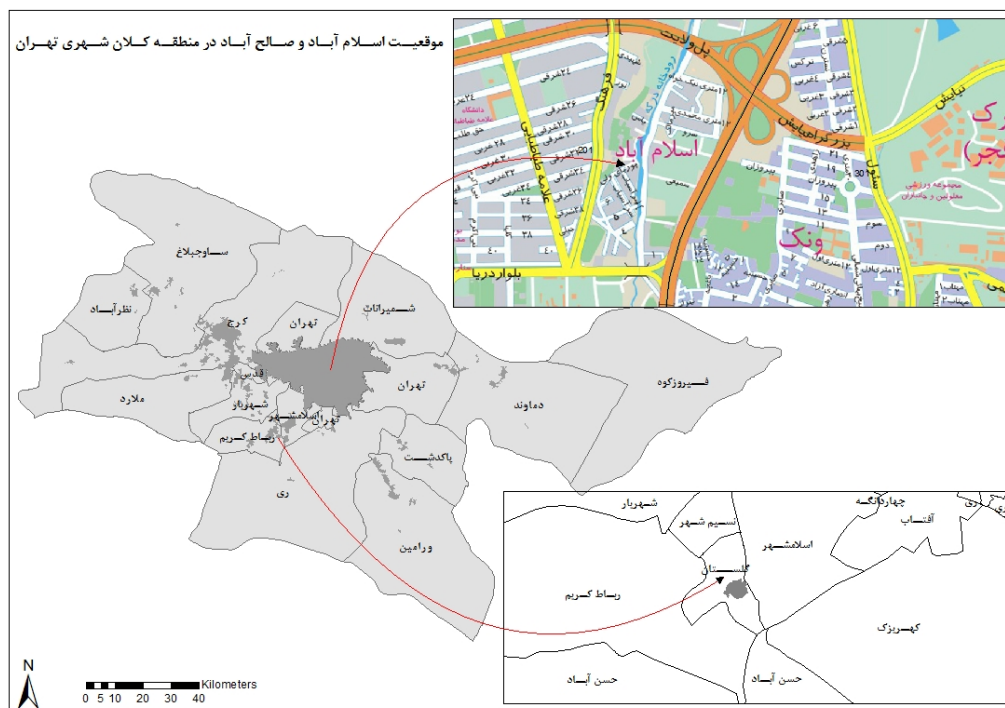
در تعریف هاروی نیز، مفهوم حاشیه‌نشینی با عنوان زاغه‌نشینی آورده شده است. محلات زاغه‌نشین، آخرین چاره‌بازماندگان است و در تلاش بی‌امان برای به‌دست‌آوردن مزایای شهری. این محلات از نظر مدرسه، شغل، جمع‌آوری زباله، روشنایی معابر، خدمات اجتماعی و هر چیز دیگری که به‌طور دسته‌جمعی فراهم می‌شود، نیز بازنده هستند. محله زاغه‌نشین محله‌ای است که جمعیت آن نمی‌تواند در روند رقابت برای خدمات و کالاهای عمومی به نحو مؤثری شرکت جوید و بدین ترتیب کنترلی بر نحوه توزیع این خدمات و کالاها ندارد (هاروی، ۱۳۷۶: ۷۲).

محدوده منطقه مورد مطالعه

سکونتگاه غیر رسمی اسلام‌آباد: محله اسلام‌آباد از لحاظ تقسیمات شهری در منطقه ۲ تهران واقع شده است. منطقه ۲ یکی از مناطق پنج‌گانه کوهپایه‌ای البرز است که به شکل مستطیل کشیده، از تراز ارتفاعی ۱۸۰۰ متر در شمال به تراز ۱۲۰۰ متری در جنوب منتهی می‌شود و در تقسیمات شهری، در حاشیه شمال غربی کلانشهر تهران قرار گرفته است و مساحتی افزون بر ۵۰۰۰ هکتار را شامل می‌شود. بخش اعظم منطقه، طی شش دهه گذشته شکل گرفته است. این منطقه به ۹ ناحیه شهری تقسیم شده و از شمال به ارتفاعات جنوبی البرز، از غرب به منطقه ۵، از جنوب به مناطق ۹ و ۱۰ و از شرق به مناطق ۱، ۳ و ۶ محدود شده است.

سکونتگاه غیر رسمی صالح‌آباد: بنابر اطلاعات به‌دست آمده، شهر صالح‌آباد قدمتی کمتر از ۱۰ سال دارد. این شهر به جز شهر رباط کریم، مانند سایر شهرهای شهرستان رباط کریم، یکی از کانون‌های اصلی اسکان غیر رسمی در مجموعه شهری تهران بوده که در کنار یک هسته روستایی کوچک، به صورت غیر رسمی شکل گرفت و بعدها تبدیل به شهر شد. در سرشماری‌های سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ هیچ اطلاعاتی مربوط به صالح‌آباد ثبت نشده، اما در سال ۱۳۶۵ این نقطه جمعیتی حدود ۱۳۲۱ نفر داشته که تحت تأثیر مسائل جنگ و مهاجرت‌های گسترده به کلانشهر

تهران، پس از پیروزی انقلاب و فراهم‌نبودن شرایط کار و مسکن مناسب برای مهاجران، این افراد به نقاط حاشیه‌ای کلانشهر تهران رانده شدند که صالح آباد نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. شکل ۱. موقعیت قرارگیری اسلام‌آباد و صالح‌آباد در تهران را نشان می‌دهد.



شکل ۱. نقشه موقعیت اسلام‌آباد و صالح‌آباد در منطقه کلانشهری تهران

منبع: سازمان نقشه برداری، ۱۳۸۵

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع کاربردی و به‌لحاظ شیوه تحلیل داده‌ها، توصیفی و تحلیلی است. برای انجام پژوهش با استفاده روش کوکران، ۲۰۰ نمونه از بین ساکنان شهر اسلام‌آباد و صالح‌آباد به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند و با استفاده از شاخص‌های ذهنی، کیفیت زندگی در این دو شهر مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش با مراجعه حضوری به مناطق مورد مطالعه، یعنی اسلام‌آباد و صالح‌آباد، داده‌های مورد نیاز به شیوه‌های مشاهده، مصاحبه و مهم‌تر از همه، تکمیل پرسش‌نامه جمع‌آوری شدند. از آنجاکه فقط بخشی از شهر صالح‌آباد سکونتگاه غیر رسمی است، بنابراین پرسش‌نامه‌ها در آن منطقه از شهر توزیع شد.

در پژوهش حاضر برای افزایش روایی از تکنیک روایی محتوایی و صوری استفاده شده است. در این مرحله با قضاوت متخصصان (اساتید دانشگاه)، مشخص شد سؤال‌ها از نظر محتوایی و صوری تا چه میزانی معرف محتوا و هدف‌های پژوهش هستند. برای پایایی بیشتر پژوهش، محقق از روش‌ها و ابزارهایی استفاده کرده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. روش بازآمایی؛ ۲. روش موازی یا آزمون هم‌تا؛ ۳. روش دوتیمه‌کردن؛ ۴. روش کودر ریچاردسون و ۵. روش آلفای کرونباخ.

بسیاری از این روش‌ها را می‌توان با نرم‌افزار SPSS محاسبه کرد، اما از آنجا که محاسبه ضریب آلفای کرونباخ عمومیت بیشتری دارد، بنابراین در این پژوهش از این روش استفاده شد که مقدار این ضریب $0/7381$ به دست آمد. در این پژوهش از روش‌های آماری متفاوتی در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است؛ به طوری که ۲۶ سؤال در قلمروهای مختلف (معرف کیفیت ذهنی زندگی)، ابتدا با یکدیگر ترکیب و سپس از طریق آزمون T زوجی، میانگین پاسخ‌ها مشخص شدند. در ادامه تحلیل داده‌ها، ابتدا پاسخ‌های شهودی و منطقی جامعه نمونه با یکدیگر مقایسه شدند و در نهایت، پاسخی منطقی برای کیفیت زندگی ذهنی مد نظر این پژوهش معرفی شد. همچنین برای شناسایی مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کیفیت زندگی، از روش آماری رگرسیون چندگانه استفاده شده است. اما قبل از آن، به دلیل تعداد زیاد مؤلفه‌ها و در راستای دسته‌بندی و محدود کردن آنها، ابتدا با استفاده از روش تحلیل عاملی، عوامل و مؤلفه‌هایی که با یکدیگر همبستگی داشتند، انتخاب و دسته‌بندی شدند تا شرایط برای تحلیل رگرسیون فراهم شود. گفتنی است که کیفیت زندگی منطقی، متغیر وابسته این تحلیل و عوامل دسته‌بندی شده حاصل از تحلیل عاملی، متغیرهای مستقل در تحلیل رگرسیون بوده‌اند.

بحث و یافته‌ها

بررسی میزان اهمیت تعدادی از شاخص‌های کیفی در کل نمونه مورد مطالعه

جداول ۱ و ۲ تعدادی از شاخص‌ها و مسائل اقتصادی، اجتماعی و محیطی را که مورد بررسی قرار گرفته است، نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مسائلی مانند بیکاری جوانان، وجود مواد مخدر، کیفیت پایین آب، وجود جرم و جنایت و دزدی و وجود گدایان و بی‌خانمان، به ترتیب جزء مهم‌ترین مشکلات این سکونتگاه‌ها هستند. در مقابل مسائلی مانند آلودگی هوا، آلودگی صوتی، ترافیک زیاد و تصادفات جاده‌ای، از نظر کل جامعه نمونه از اهمیت به نسبت کمتری برخوردارند. با بررسی جداگانه پاسخ‌های جامعه نمونه اسلام‌آباد و صالح‌آباد، درمی‌یابیم که میزان اهمیت موارد مورد بررسی در دو جامعه متفاوت است.

جدول ۱. میزان اهمیت هر یک از شاخص‌ها از نظر پاسخ‌گویان منطقه صالح‌آباد

مشکلات	خیلی مهم		تقریباً مهم		کم اهمیت		کاملاً کم اهمیت		مجموع
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
تصادفات جاده‌ای	۱۶	۱۶	۱۵	۱۵	۴۳	۴۳	۲۶	۲۶	۱۰۰
آلودگی صوتی (ناشی از وسایل نقلیه، کارگاه‌ها و...)	۲۳	۲۳	۱۳	۱۳	۲۵	۲۵	۳۹	۳۹	۱۰۰
آلودگی هوا	۷	۷	۱۶	۱۶	۴۰	۴۰	۳۷	۳۷	۱۰۰
کیفیت آب	۸۶	۸۶	۴	۴	۶	۶	۴	۴	۱۰۰
خیابان‌های پرخطر (تقاطع‌ها و...)	۲۷	۲۷	۱۵	۱۵	۳۸	۳۸	۲۰	۲۰	۱۰۰
ترافیک زیاد	۷	۷	۶	۶	۳۱	۳۱	۵۶	۵۶	۱۰۰
وجود مواد مخدر	۶۴	۶۴	۲۴	۲۴	۶	۶	۶	۶	۱۰۰
وجود جرم و جنایت (دزدی و...)	۵۴	۵۴	۲۶	۲۶	۱۶	۱۶	۴	۴	۱۰۰
وجود گدایان و بی‌خانمان	۵۵	۵۵	۲۴	۲۴	۱۵	۱۵	۶	۶	۱۰۰
بیکاری جوانان	۹۰	۹۰	۲	۲	۲	۲	۶	۶	۱۰۰

جدول ۲. میزان اهمیت هر یک از شاخص‌ها از نظر پاسخ‌گویان منطقه اسلام‌آباد

مشکلات	خیلی مهم		تقریباً مهم		کم اهمیت		کاملاً کم اهمیت		مجموع
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
تصادفات جاده‌ای	۱۰	۱۰	۱۵	۱۵	۱۹	۱۹	۵۶	۵۶	۱۰۰
آلودگی صوتی (ناشی از وسایل نقلیه، کارگاه‌ها و...)	۲۱	۲۱	۱۵	۱۵	۲۷	۲۷	۳۷	۳۷	۱۰۰
آلودگی هوا	۱۰	۱۰	۱۲	۱۲	۲۲	۲۲	۵۶	۵۶	۱۰۰
کیفیت آب	۲۰	۲۰	۵	۵	۱۰	۱۰	۶۵	۶۵	۱۰۰
خیابان‌های پرخطر (تقاطع‌ها و...)	۲۰	۲۰	۶	۶	۳۲	۳۲	۴۲	۴۲	۱۰۰
ترافیک زیاد	۱۴	۱۴	۱۲	۱۲	۲۸	۲۸	۴۶	۴۶	۱۰۰
وجود مواد مخدر	۶۵	۶۵	۱۴	۱۴	۱۹	۱۹	۲	۲	۱۰۰
وجود جرم و جنایت (دزدی و...)	۲۰	۲۰	۲۷	۲۷	۴۰	۴۰	۱۳	۱۳	۱۰۰
وجود گدایان و بی‌خانمان	۱۵	۱۵	۲۲	۲۲	۳۹	۳۹	۲۴	۲۴	۱۰۰
بیکاری جوانان	۷۴	۷۴	۱۵	۱۵	۷	۷	۴	۴	۱۰۰

یافته‌های تحلیلی

به‌طور کلی اگر مقایسه‌ای بین دو سکونتگاه غیر رسمی اسلام‌آباد و صالح‌آباد، بر اساس میانگین رضایتمندی از هر یک شاخص‌های مطرح شده صورت گیرد، به جز چند مورد ناچیز، در اکثریت موارد وضعیت در محله اسلام‌آباد، مناسب‌تر از صالح‌آباد است. همچنین با مقایسه رضایتمندی ذهنی جامعه نمونه در جدول ۲ و مشاهدات میدانی پژوهشگر در مناطق مورد مطالعه، می‌توان به این نتیجه دست یافت که بین وجود امکانات و تسهیلات و میزان رضایتمندی رابطه مستقیمی وجود دارد. به‌گفته‌ای، ساکنان این سکونتگاه‌ها درک درستی از وضعیت امکانات موجود دارند و در مورد اکثر شاخص‌ها، پیش‌بینی نگارنده نزدیک به نظرات جامعه نمونه بوده است.

برای درک درست‌تر تفاوت بین رضایتمندی از وضعیت کیفیت زندگی ذهنی ساکنان بین دو منطقه اسلام‌آباد و صالح‌آباد، از آزمون تی زوجی استفاده شده است. بررسی میانگین پاسخ‌ها در مورد هر یک از گویه‌ها، بیانگر آن بود که در برخی موارد میزان رضایتمندی در هر یک از محلات نسبت به دیگری برتری دارد. از سوی دیگر، برای اینکه بتوان درک درست‌تری از وضعیت کلی کیفیت زندگی در بین دو منطقه به‌دست آورد، به‌ناچار گویه‌های منتخب در دو منطقه با هم ترکیب شده و تشکیل یک متغیر کلان به نام کیفیت زندگی در دو منطقه را داده است. مهم‌ترین گویه‌هایی که با یکدیگر ترکیب شدند، متغیرهایی هستند که دربرگیرنده تمامی ابعاد کیفیت زندگی، اعم از کیفیت مسکن، کیفیت محیط، کیفیت تغذیه، شبکه حمل و نقل، امنیت و کیفیت خدمات درمانی در دو منطقه را شامل می‌شوند. با توجه به اینکه گویه‌های منتخب بعد از ترکیب، تشکیل یک متغیر فاصله‌ای را دادند، بنابراین برای درک شکاف بین آنها از آزمون تی-زوجی استفاده شده است. بر اساس خروجی آزمون می‌توان این‌گونه استنباط کرد که بین میزان رضایتمندی از وضعیت کیفیت زندگی در دو منطقه شهری اسلام‌آباد و صالح‌آباد، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به‌طوری که میانگین کل محاسبه‌شده برای رضایتمندی از وضعیت کلی و ذهنی کیفیت زندگی در محله اسلام‌آباد برابر با ۹۶/۹ و در همین وضعیت برای محله شهری صالح‌آباد برابر با ۷۶/۳ است. یافته‌ها اختلاف میانگین در بین دو جامعه نمونه را برابر با ۲۰ نشان می‌دهد که رقم

بالایی است. همچنین مقدار همبستگی محاسبه شده بین دو جامعه، نشان‌دهنده آن است که بین دو جامعه هرچند رابطه معکوس وجود دارد، اما با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه شده بیشتر از خطای ۰/۰۵ است، می‌توان گفت بین دو منطقه رابطه‌ای وجود ندارد.

جدول ۳. بررسی رضایتمندی از شاخص‌های کیفیت زندگی در اسلام‌آباد و صالح‌آباد

میانگین		گویه‌ها
صالح‌آباد	اسلام‌آباد	
۲/۴	۳/۸	میزان رضایت از وضعیت محله
۳/۱	۳/۶	میزان رضایت از وضعیت مسکن
۳/۱	۴/۶	میزان رضایت از احساس امنیت
۲/۱	۳/۷	میزان رضایت از سطح درآمد
۱/۸	۲/۲	میزان رضایت از فرصت‌های شغلی موجود در شهر
۲/۴	۴/۴	میزان رضایت از شغل خود
۴/۰	۴/۹	میزان رضایت از وضعیت سلامت خود و خانواده
۲/۳	۳/۰	میزان رضایت از خدمات بهداشتی درمانی موجود در شهر
۲/۳	۲/۷	میزان رضایت از خدمات اورژانسی
۱/۷	۲/۶	میزان رضایت از نحوه گذران اوقات فراغت
۱/۷	۲/۱	میزان رضایت از تسهیلات و امکانات مربوط به گذران اوقات فراغت
۱/۹	۲/۲	میزان رضایت از فعالیت‌های شهرداری برای مدیریت فضاهای عمومی، مانند پارک‌ها
۲/۸	۲/۱	میزان رضایت از دسترسی به امکانات آموزشی
۲/۴	۴/۵	میزان احساس تعلق به شهر خود
۲/۸	۳/۹	میزان امیدواری به آینده
۲/۸	۳/۷	میزان رضایت از موفقیت‌های کسب‌شده در زندگی
۲/۷	۵/۰	میزان رضایت از قابل اعتماد بودن مردم شهر
۲/۸	۳/۱	میزان رضایت از پاکیزگی (خیابان‌ها، پیاده‌روها و کوچه‌ها)
۳/۲	۳/۷	میزان رضایت از روشنایی خیابان‌ها و کوچه‌ها در شب
۴/۵	۵/۷	میزان رضایت از ترافیک خیابان‌ها
۲/۶	۲/۶	میزان رضایت از حمل و نقل عمومی
۴/۰	۴/۵	میزان رضایت از نحوه جمع‌آوری و دفع زباله
۲/۶	۲/۶	میزان رضایت از سیستم جمع‌آوری و تخلیه فاضلاب
۴/۳	۲/۱	میزان رضایت از تعداد و وضعیت داروخانه‌ها
۲/۸	۲/۴	میزان رضایت از تعداد اداره‌های پست و بانک‌ها
۵/۲	۴/۳	میزان رضایت از تعداد مغازه‌های خرده‌فروشی و سوپرمارکت‌ها
۴/۴	۱/۸	میزان رضایت از تعداد فروشگاه‌ها (لباس و کفش و...)
۴/۲	۲/۲	میزان رضایت از وضعیت مدارس (کودکستان‌ها، مدارس ابتدایی)
۳/۵	۵/۱	میزان رضایت از آرامش و سکوت شهر (سروصدای کم)
۲/۰	۲/۷	میزان رضایت از وضعیت فضای سبز و پارک‌های عمومی
۱/۹	۲/۳	میزان رضایت از تأسیسات و امکانات ورزشی
۲/۰	۲/۷	میزان رضایت از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی
۱/۹	۵/۷	کیفیت آب
۴/۴	۶/۰	کیفیت هوا

۱= کمترین حد رضایت و ۷= بیشترین حد رضایت

جدول ۴. نتایج آزمون تی زوجی برای درک وضعیت کیفیت زندگی در دو سکونتگاه

Sig.	ضریب همبستگی	اختلاف میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	موقعیت
۰/۱۱۲	-۰/۲۰۷	۲۰	۲۷/۹۵۳۰۴	۱۰۰	۷۶/۳	شهر صالح‌آباد
			۲۲/۵۱۴۴۰	۱۰۰	۹۶/۹	محله شهری اسلام‌آباد

پس از محاسبه میانگین‌ها و درک مقدار میانگین محاسبه‌شده برای هر یک از دو جامعه مورد مطالعه، برای درک میزان شکاف بین کیفیت زندگی در دو جامعه، سطح معناداری محاسبه‌شده در ناحیه آلفای ۰/۰۵ برابر با مقدار ۰/۰۰۰ به‌دست آمد که این رقم بیان می‌کند بین دو جامعه در سطح ۰/۰۱ (۹۹ درصد) اختلاف معناداری وجود دارد. میزان رضایتمندی از وضعیت کیفیت زندگی در بین ساکنان دو منطقه صالح‌آباد و اسلام‌آباد تفاوت معناداری دارد.

جدول ۵. نتایج آزمون تی زوجی برای درک وضعیت کیفیت زندگی در دو سکونتگاه

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار تی	موقعیت
۰/۰۰۰	۵۹	-۴/۰۶۷	صالح‌آباد - اسلام‌آباد

کیفیت ذهنی زندگی در سکونتگاه‌های مورد مطالعه

وقتی که از پاسخ‌گویان جامعه نمونه اسلام‌آباد در مورد کیفیت شهودی زندگی خود سؤال شد، مشخص شد که ۱۲ درصد افراد از کیفیت زندگی خود به‌طور کامل ناراضی و ۹ درصد آنها به‌طور کامل راضی بودند. به‌طور کلی ۳۲ درصد افراد از کیفیت زندگی راضی و ۳۱ درصد از کیفیت زندگی ناراضی بودند، در این میان ۳۷ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز نظر خاصی نداشته و در طبقه خنثی قرار گرفتند.

با تکرار همین سؤال در انتهای پرسش‌نامه مربوط به اسلام‌آباد، مشخص شد که تعداد پاسخ‌گویانی که به‌طور کامل از کیفیت زندگی ناراضی بودند، کاهش یافته و به ۱۰ درصد رسیدند و درمقابل، افرادی که از کیفیت زندگی به‌طور کامل راضی بودند، افزایش یافته و به ۱۱ درصد رسیدند که البته این تغییر جزئی بوده است.

وقتی که از پاسخ‌گویان جامعه نمونه صالح‌آباد در مورد کیفیت شهودی زندگی خود سؤال شد، ۴۵ درصد افراد از کیفیت زندگی خود به‌طور کامل اظهار نارضایتی کردند و فقط ۲ درصد از پاسخ‌دهندگان به‌طور کامل راضی بودند. به‌طور کلی ۱۳ درصد افراد از کیفیت زندگی راضی و ۷۷ درصد از کیفیت زندگی ناراضی بودند و ۱۰ درصد پاسخ‌گویان نیز نظر خاصی نداشتند. نتایج به‌دست آمده از این سؤال، نشان از کیفیت (شهودی) بسیار پایین زندگی در صالح‌آباد دارد.

با تکرار همین سؤال در انتهای پرسش‌نامه مربوط به صالح‌آباد، مشخص شد که پاسخ‌گویانی که به‌طور کامل از کیفیت زندگی ناراضی هستند به ۲۳ درصد کاهش پیدا کرده است که تغییر مثبت نسبتاً زیادی بوده است و درمقابل نیز، افرادی که از کیفیت زندگی به‌طور کامل راضی بودند، به ۱۰ درصد کاهش یافته است که البته این تغییر جزئی بوده است. به‌طور کلی ۱۶ درصد پاسخ‌گویان از کیفیت زندگی راضی و ۷۴ درصد از کیفیت زندگی ناراضی بودند و ۱۰ درصد نیز در

طبقه‌بندی خنثی قرار گرفتند. علاوه بر این، میانگین رضایت از ۲/۳۹ به ۲/۵۴ افزایش یافته است. بنابراین در مورد صالح‌آباد نیز می‌توان تغییر در نظرات پاسخ‌گویان را پس از شناسایی قلمروهای مختلف مشاهده کرد. ضمن اینکه با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت در کل، وضعیت کیفیت زندگی در اسلام‌آباد مناسب‌تر از صالح‌آباد است (جدول ۶ و ۷).

جدول ۶. رضایت از کیفیت زندگی در اسلام‌آباد

کیفیت زندگی منطقی		کیفیت زندگی شهودی		میزان رضایت از کیفیت زندگی در اسلام‌آباد
درصد	تجمعی	درصد	تجمعی	
۱۰	۱۰	۱۲	۱۲	کاملاً ناراضی (۱)
۱۸	۸	۱۹	۷	(۲)
۲۶	۸	۳۱	۱۲	(۳)
۵۰	۲۴	۶۸	۳۷	نه راضی، نه ناراضی (۴)
۸۳	۳۳	۸۴	۱۶	(۵)
۸۹	۶	۹۱	۷	(۶)
۱۰۰	۱۱	۱۰۰	۹	کاملاً راضی (۷)
۴/۲۴		۳/۹۶		میانگین (لیکرت)
۱/۶۸		۱/۶۷		انحراف استاندارد

جدول ۷. رضایت از کیفیت زندگی در صالح‌آباد

کیفیت زندگی منطقی		کیفیت زندگی شهودی		میزان رضایت از کیفیت زندگی در صالح‌آباد
درصد	تجمعی	درصد	تجمعی	
۲۳	۲۳	۴۵	۴۵	کاملاً ناراضی (۱)
۵۳	۳۰	۵۵	۱۰	(۲)
۷۴	۲۱	۷۷	۲۲	(۳)
۸۴	۱۰	۸۷	۱۰	نه راضی، نه ناراضی (۴)
۹۶	۱۲	۹۲	۵	(۵)
۹۹	۳	۹۸	۶	(۶)
۱۰۰	۱	۱۰۰	۲	کاملاً راضی (۷)
۲/۵۴		۲/۳۹		میانگین (لیکرت)
۱/۲۹		۱/۶۷		انحراف استاندارد

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی اسلام‌آباد و صالح‌آباد

تحلیل مؤلفه‌های اصلی، یک روش آماری است که معمولاً برای استخراج زیرمجموعه‌های غیرهمبسته معرف‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که واریانس مشاهده شده در مجموعه داده اولیه را تبیین می‌کنند. در این مطالعه، از تحلیل

مؤلفه‌های اصلی برای استخراج فاکتورهای مستقلی استفاده شده که متغیرهای پیش‌بینی در تحلیل رگرسیون هستند و به‌منظور تعیین مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای کلانشهر تهران به کار می‌روند. در تحلیل و تفسیر نتایج تحلیل عاملی، مرحله اول بررسی تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی است. بدین منظور تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی، براساس ارزش‌های KMO و آزمون بارتلت بررسی شد. مرحله بعد به دست آوردن تعدادی از عامل‌ها است که بیشترین واریانس مشاهده شده در مجموعه داده‌های اولیه را تبیین می‌کنند. در این پژوهش، برای تعیین تعداد عامل‌ها از دو معیار مقادیر ویژه و اسکری پلات استفاده شده است. در معیار مقدار ویژه، عامل‌هایی مد نظر قرار گرفته‌اند که مقدار ویژه آنها بالاتر از ۱ هستند.

تفسیر بارهای عاملی، اساسی‌ترین مرحله در تحلیل عاملی است. بارهای عاملی نشان‌دهنده میزان رابطه بین متغیرها و فاکتورها هستند. به گفته دیگر، این مرحله شامل تفسیر عامل‌ها و تعیین متغیرهای دارای همبستگی با عامل‌های مختلف است و به شناسایی رابطه بین انواع مختلف متغیرها و تشخیص عامل‌های توصیف‌کننده ابعاد مختلف کیفیت زندگی، کمک خواهد کرد.

تاباچنیک و فیدل (۱۹۹۶) بر این عقیده هستند که باید متغیرهایی با بار عاملی بزرگتر از ۰/۳۲ مورد توجه قرار گیرند. کومری و لی ۱۹۹۲ دامنه‌ای از ارزش‌ها را برای تفسیر شدت روابط بین متغیرها و عامل‌ها پیشنهاد کرده‌اند؛ به گونه‌ای که بارهای عاملی ۰/۷۱ و بالاتر عالی؛ ۰/۷۱ - ۰/۶۳ خیلی خوب؛ ۰/۶۳ - ۰/۵۵ خوب؛ ۰/۵۵ - ۰/۴۵ نسبتاً خوب و ۰/۴۵ - ۰/۳۳ ضعیف را نشان می‌دهد. در این پژوهش بارهای عاملی ۰/۵ و بالاتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

ابعاد کیفیت زندگی در اسلام‌آباد

یکی از اهداف این پژوهش، شناسایی ابعاد کیفیت زندگی در دو سکونتگاه غیر رسمی اسلام‌آباد و صالح‌آباد است. در این مطالعه، برای شناسایی ابعاد کیفیت زندگی در این سکونتگاه‌ها تحلیل عاملی با استفاده از معرف‌های ذهنی مختلف به کار گرفته شده است.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی در شناسایی ابعاد کیفیت زندگی در اسلام‌آباد، ارزش KMO را برابر ۰/۶۵۷ و سطح معناداری آزمون بارتلت را ۰/۰۰ نشان می‌دهد که بیانگر مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. بر اساس دو معیار مقدار ویژه^۱ (مقدار ویژه بالاتر از ۱) و اسکری پلات، شش عامل انتخاب شدند که این شش عامل در مجموع ۷۵/۴۱۶ درصد واریانس موجود در داده‌ها را تبیین می‌کنند. در این پژوهش، معرف‌هایی با بار عاملی بالاتر از ۰/۵ برای شناسایی ابعاد کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

نتایج تحلیل عاملی در جدول ۸ نشان داده شده است. عامل‌هایی که در این جدول درج شده است، می‌توانند به منزله ابعاد کیفیت زندگی در اسلام‌آباد، مورد توجه قرار گیرند. این شش عامل ۷۵/۴۱۶ درصد از کل واریانس مجموعه داده را تبیین می‌کنند؛ به گونه‌ای که عامل نخست حدود ۱۶/۲۳۵ درصد از کل واریانس؛ عامل دوم ۱۴/۴۴۸ درصد؛ عامل

سوم ۱۴/۳۱۴ درصد؛ عامل چهارم ۱۱/۸۳۰؛ عامل پنجم ۱۰/۱۰۹ و سرانجام عامل ششم ۸/۴۸۰ درصد کل واریانس را تبیین کرده‌اند.

جدول ۸. ماتریس بارهای عاملی برای معرف‌های کیفیت زندگی در اسلام‌آباد

عامل‌ها						متغیرها
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					۰/۸۷۸	رضایت از خدمات بهداشتی
					۰/۸۴۳	رضایت از خدمات اورژانسی
					۰/۷۶۶	رضایت از تسهیلات فراغت
					۰/۶۹۴	رضایت از امکانات آموزشی
					۰/۵۶۳	رضایت از تأسیسات ورزشی
				۰/۸۴۳		رضایت از جمع‌آوری فاضلاب
				۰/۷۰۹		رضایت از حمل و نقل عمومی
				۰/۶۵۵		رضایت از جمع‌آوری زباله
				۰/۶۵۲		رضایت از فضای سبز
				۰/۵۳۶		رضایت از پاکیزگی (خیابان‌ها، پیاده‌روها، کوچه‌ها)
			۰/۸۱۶			رضایت شغلی
			۰/۶۸۸			رضایت از وضعیت سلامت خانواده
			۰/۶۸۷			رضایت از موفقیت‌های کسب‌شده در زندگی
			۰/۶۵۵			رضایت از قابل اعتماد بودن مردم شهر
			۰/۵۹۲			امیدواری از آینده
		۰/۷۹۶				رضایت از کیفیت آب
		۰/۷۶۵				رضایت از وضعیت ترافیک
		۰/۷۳۷				آرامش شهری
		۰/۵۸۲				رضایت از کیفیت هوا
	۰/۸۳۰					احساس امنیت
	۰/۷۵۹					رضایت از خدمات امنیتی
	۰/۶۱۹					رضایت از محله
۰/۸۰۲						رضایت از درآمد
۰/۷۶۶						رضایت از مسکن
۰/۵۵۱						رضایت از فرصت‌های شغلی
۲/۱۲۰	۲/۵۲۷	۲/۹۵۷	۳/۵۷۸	۳/۶۱۲	۴/۰۵۹	مقدار ویژه
۸/۴۸۰	۱۰/۱۰۹	۱۱/۸۳۰	۱۴/۳۱۴	۱۴/۴۴۸	۱۶/۲۳۵	واریانس (%)
۷۵/۴۱۶						مجموع واریانس تبیین شده (%)

Extraction Method: Principal Component Analysis

Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization

این شش عامل به‌منظور تعیین ابعاد کیفیت زندگی در اسلام‌آباد به شرح زیر تفسیر شده‌اند:

عامل اول: متغیرهای رضایت از خدمات بهداشتی، رضایت از خدمات اورژانسی، رضایت از تسهیلات فراغت، رضایت از امکانات آموزشی و رضایت از تأسیسات ورزشی، به میزان بالایی با هم مرتبط و در عامل اول ارائه شده‌اند. بنابراین عامل اول می‌تواند با عنوان «رضایت از امکانات عمومی» تعریف شود.

عامل دوم: عامل دوم شامل متغیرهای رضایت از جمع‌آوری فاضلاب، رضایت از حمل و نقل عمومی، رضایت از جمع‌آوری زباله، رضایت از فضای سبز و رضایت از پاکیزگی (خیابان‌ها، پیاده‌روها، کوچه‌ها) است. بنابراین عامل دوم با عنوان «رضایت از کیفیت محیط فیزیکی» تعریف شده است.

عامل سوم: متغیرهای مربوط به وضعیت بهزیستی در عامل سوم تبیین شده‌اند. در این عامل متغیرهای رضایت شغلی، رضایت از وضعیت سلامت خانواده، رضایت از موفقیت‌های کسب‌شده در زندگی، رضایت از قابل اعتماد بودن مردم شهر و امیدواری از آینده، همبستگی مثبتی دارند. بنابراین عامل سوم با عنوان «وضعیت بهزیستی» تبیین می‌شود.

عامل چهارم: این عامل دربرگیرنده متغیرهای مربوط به وضعیت محیط فیزیکی است. متغیرهای رضایت از کیفیت آب، رضایت از وضعیت ترافیک، آرامش شهری و رضایت از کیفیت هوا که با یکدیگر همبستگی مثبتی دارند، در عامل چهارم قرار گرفته‌اند. بنابراین با عنوان «کیفیت آب و هوا و ترافیک» معرفی می‌شود.

عامل پنجم: متغیرهای احساس امنیت، رضایت از خدمات امنیتی و رضایت از محله، به‌طور مثبت با همدیگر همبستگی دارند و با عنوان «وضعیت امنیت محله» معرفی شده‌اند.

عامل ششم: متغیرهای رضایت از درآمد، رضایت از مسکن و رضایت از فرصت‌های شغلی که با همدیگر همبستگی مثبتی دارند، در عامل ششم با عنوان «وضعیت اقتصادی» قرار گرفته‌اند.

تحلیل رگرسیون (اسلام‌آباد)

تحلیل رگرسیون چندگانه برای شناسایی سهم هر قلمرو در کیفیت زندگی و ایجاد مدل علی مورد استفاده قرار گرفته و برهمکنش بین قلمروها و معرف‌ها را نشان می‌دهد. یکی از اهداف این مطالعه، ایجاد مدل علی از طریق شناسایی قلمروهای غالب مؤثر بر کیفیت زندگی در اسلام‌آباد است. پرسش اصلی برای ایجاد این مدل این‌گونه مطرح شده است: کدام‌یک از قلمروهای زندگی، بیشترین تأثیر علی را بر کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه دارند؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند در درک تأثیر علی قلمروها و طراحی برنامه‌های اثربخش برای بهبود کیفیت زندگی شهری در منطقه مؤثر باشد. تحلیل رگرسیون چندگانه برای شناسایی قلمروهای غالب زندگی به‌کار گرفته شده است و ضرایب آن سهم نسبی هر قلمرو را در کیفیت زندگی نشان می‌دهند. ارتباط علی بین قلمروهای زندگی و رضایت از کیفیت زندگی در اسلام‌آباد از رابطه ۱ به‌دست می‌آید:

$$QoL = 0.485 \times F_1 + 0.462 \times F_2 + 0.082 \times F_3 + 0.072 \times F_4 + 0.43 \times F_5 - 0.26 \times F_6 \quad (1) \text{ رابطه}$$

که در آن؛ F_1 : رضایت از امکانات عمومی؛ F_2 : رضایت از کیفیت محیط فیزیکی؛ F_3 : وضعیت بهزیستی؛ F_4 : کیفیت آب‌وهوا و ترافیک؛ F_5 : وضعیت امنیت محله و F_6 : وضعیت اقتصادی را نشان می‌دهد.

مجموع واریانس کیفیت زندگی تبیین شده به کمک این مدل ۴۶ درصد است (جدول ۹). ضرایب موجود در این مدل تأثیر نسبی هر عامل را بر کیفیت زندگی نشان می‌دهند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سهم هر عامل در کیفیت زندگی یکسان نیست. قلمرویی که قوی‌ترین تأثیر علی را دارد، عامل سوم (وضعیت بهزیستی) است و در مرتبه بعدی عامل چهارم (کیفیت آب‌وهوا و ترافیک) قرار دارد. قلمروهایی که ضعیف‌ترین تأثیر علی را بر کیفیت زندگی دارند، رضایت از امکانات عمومی و وضعیت اقتصادی هستند. پژوهش نشان می‌دهد که قلمروهای شناسایی شده زندگی در این مطالعه، تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی افراد می‌گذارند.

جدول ۹. بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در اسلام‌آباد با استفاده از تحلیل رگرسیونی چندگانه

معناداری	t	Beta	پیش‌بینی‌کننده‌ها
۰/۰۰	۵/۵۳۶	۰/۴۸۵	F _۳
۰/۰۰	۵/۲۷۰	۰/۴۶۲	F _۴
۰/۳۵۵	۰/۹۳۲	۰/۰۸۲	F _۵
۰/۴۱۴	۰/۸۲۳	۰/۰۷۲	F _۶
۰/۶۲۸	۰/۴۸۶	۰/۰۴۳	F _۷
۰/۷۷۱	-۰/۲۹۳	-۰/۰۲۶	F _۱
	۰/۴۶۳		R ^۲
	۰/۴۱۷		R ^۲ تعدیل یافته
	۱۰/۰۴۹		F

ابعاد کیفیت زندگی در صالح‌آباد

نتایج حاصل از تحلیل عاملی در شناسایی ابعاد کیفیت زندگی در صالح‌آباد، نشان می‌دهد که ارزش KMO برابر ۰/۵۳۲ و سطح معناداری آزمون بارتلت ۰/۰۰ است که بیانگر مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. بر اساس دو معیار مقدار ویژه (مقدار ویژه بالاتر از ۱) و اسکری پلات، شش عامل انتخاب شدند که در مجموع ۷۵/۷۲۰ درصد از واریانس موجود در داده‌ها را تبیین می‌کنند. در این پژوهش، معرف‌هایی با بار عاملی بالاتر از ۰/۵ برای شناسایی ابعاد کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

عامل‌هایی که در جدول ۱۰ نشان داده شده‌اند، می‌توانند به منزله ابعاد کیفیت زندگی در صالح‌آباد مورد توجه قرار گیرند. این شش عامل ۷۵/۷۲۰ درصد از کل واریانس مجموعه داده را به ترتیب زیر تبیین کرده‌اند:
 عامل نخست حدود ۱۹/۰۸۲ درصد از کل واریانس؛ عامل دوم ۱۵/۹۲۰ درصد؛ عامل سوم ۱۳/۴۲۰ درصد؛ عامل چهارم ۱۱/۸۶۴ درصد؛ عامل پنجم ۷/۹۱۱ و در نهایت عامل ششم ۷/۵۲۲ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کنند.

جدول ۱۰. ماتریس بارهای عاملی برای معرف‌های کیفیت زندگی در صالح‌آباد

عامل‌ها						متغیرها
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					۰/۹۷۰	رضایت از تأسیسات ورزشی
					۰/۹۳۷	رضایت از فضای سبز
					۰/۸۸۵	رضایت از تسهیلات فراغت
					۰/۸۶۶	رضایت از کیفیت آب
					۰/۵۴۳	رضایت از پاکیزگی (خیابان‌ها، پیاده‌روها، کوچه‌ها)
				۰/۸۰۹		رضایت از درآمد
				۰/۷۷۹		رضایت از فرصت‌های شغلی
				۰/۶۶۶		رضایت از حمل و نقل عمومی
				۰/۶۵۰		رضایت از محله
				۰/۶۳۴		احساس امنیت
				۰/۶۱۷		رضایت از خدمات امنیتی
				۰/۶۰۴		رضایت از قابل اعتماد بودن مردم شهر
			۰/۷۴۷			رضایت از خدمات اورژانسی
			۰/۷۳۰			امیدواری از آینده
			۰/۶۷۳			رضایت از امکانات آموزشی
			۰/۶۱۹			رضایت از موفقیت‌های کسب شده در زندگی
			۰/۵۳۶			رضایت از خدمات بهداشتی
		۰/۸۷۴				رضایت از کیفیت هوا
		۰/۷۹۵				آرامش شهری
		۰/۷۱۹				رضایت از مسکن
		۰/۵۱۶				رضایت شغلی
	۰/۷۵۵					رضایت از جمع‌آوری زباله
	۰/۴۶۴					رضایت از جمع‌آوری فاضلاب
	۰/۷۶۹					رضایت از وضعیت ترافیک
	۰/۷۳۵					رضایت از وضعیت سلامت خانواده
۱/۸۸۰	۱/۹۷۸	۲/۹۶۶	۳/۳۵۵	۳/۹۸۰	۴/۷۷۱	مقدار ویژه
۷/۵۲۲	۷/۹۱۱	۱۱/۸۶۴	۱۳/۴۲۰	۱۵/۹۲۰	۱۹/۰۸۲	واریانس (%)
۷۵/۷۲۰						مجموع واریانس تبیین شده (%)

Extraction Method: Principal Component Analysis
 Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization

این شش عامل برای تعیین ابعاد کیفیت زندگی در صالح‌آباد به شرح زیر تفسیر شده‌اند:

عامل اول: متغیرهای رضایت از تأسیسات ورزشی، رضایت از فضای سبز، رضایت از تسهیلات فراغت، رضایت از کیفیت آب و رضایت از پاکیزگی (خیابان‌ها، پیاده‌روها، کوچه‌ها)، به میزان بالایی با هم مرتبط و در عامل اول جای گرفته‌اند. بنابراین عامل اول با عنوان «رضایت از امکانات فراغتی و محیطی» تعریف می‌شود.

عامل دوم: عامل دوم شامل متغیرهای رضایت از درآمد، رضایت از فرصت‌های شغلی، رضایت از حمل و نقل عمومی، رضایت از محله، احساس امنیت، رضایت از خدمات امنیتی و رضایت از قابل اعتماد بودن مردم شهر است و با عنوان «رضایت از وضعیت اقتصادی و امنیتی» شناخته می‌شود.

عامل سوم: متغیرهای مربوط به وضعیت امکانات بهداشتی و بهزیستی در عامل سوم تبیین شده‌اند. در این عامل متغیرهای رضایت از خدمات اورژانسی، امیدواری به آینده، رضایت از امکانات آموزشی، رضایت از موفقیت‌های کسب‌شده در زندگی و رضایت از خدمات بهداشتی دارای همبستگی هستند. بنابراین عامل سوم با عنوان «رضایت از امکانات عمومی و بهزیستی» تبیین می‌شود.

عامل چهارم: متغیرهای رضایت از کیفیت هوا، آرامش شهری، رضایت از مسکن و رضایت شغلی با همدیگر همبستگی مثبتی دارند و در عامل چهارم قرار گرفته‌اند و می‌توان آن را با عنوان «وضعیت محیط فیزیکی» تعریف کرد. عامل پنجم: متغیرهای رضایت از جمع‌آوری زباله و رضایت از جمع‌آوری فاضلاب با همدیگر همبستگی مثبتی نشان داده‌اند و در عامل پنجم جای گرفته‌اند. بنابراین عامل پنجم می‌تواند با عنوان «وضعیت جمع‌آوری زباله و فاضلاب» تعریف شود.

عامل ششم: متغیرهای رضایت از وضعیت ترافیک و رضایت از وضعیت سلامت خانواده که همبستگی مثبتی با همدیگر دارند و در عامل ششم قرار گرفته‌اند با عنوان «وضعیت ترافیک و سلامت» شناخته شده‌اند.

تحلیل رگرسیون (صالح‌آباد)

تحلیل رگرسیون چندگانه برای شناسایی قلمروهای غالب زندگی به کار گرفته شده است. ضرایب رگرسیون، سهم نسبی هر قلمرو را در کیفیت زندگی نشان می‌دهند. ارتباط علی بین قلمروهای زندگی و رضایت از کیفیت زندگی در صالح‌آباد به شرح رابطه ۲ است.

$$QoL = 0.446 \times F_7 + 0.399 \times F_4 + 0.236 \times F_5 + 0.190 \times F_6 - 0.24 \times F_1 - 0.19 \times F_3 \quad (\text{رابطه ۲})$$

که در آن؛ F_1 : رضایت از امکانات فراغتی و محیطی؛ F_2 : رضایت از وضعیت اقتصادی و امنیتی؛ F_3 : رضایت از امکانات عمومی و بهزیستی؛ F_4 : رضایت از کیفیت محیط فیزیکی؛ F_5 : وضعیت جمع‌آوری و دفع زباله و فاضلاب و F_6 : وضعیت ترافیک و سلامت را نشان می‌دهد.

مجموع واریانس کیفیت زندگی تبیین‌شده به کمک این مدل ۴۵ درصد است (جدول ۱۱). ضرایب موجود در این مدل تأثیر نسبی هر عامل را بر کیفیت زندگی نشان می‌دهند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سهم هر عامل در کیفیت زندگی یکسان نیست. قلمروی که قوی‌ترین تأثیر علی را دارد، عامل دوم یعنی رضایت از وضعیت اقتصادی و امنیتی شناخته شده است و در مرتبه‌های بعدی، رضایت از کیفیت محیط فیزیکی، وضعیت جمع‌آوری و دفع زباله و فاضلاب و وضعیت ترافیک و سلامت جای گرفته‌اند. عامل‌های اول و سوم، یعنی رضایت از امکانات فراغتی و محیطی و رضایت از امکانات عمومی و بهزیستی، عامل‌هایی هستند که ضعیف‌ترین تأثیر علی را بر کیفیت زندگی می‌گذارند.

جدول ۱۱. بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در صالح‌آباد با استفاده از تحلیل رگرسیونی چندگانه

معناداری	t	Beta	پیش بینی کننده‌ها
۰/۰۰	۴/۵۴۰	۰/۴۴۶	F _۲
۰/۰۰	۴/۰۶۱	۰/۳۹۹	F _۴
۰/۰۱۹	۲/۴۰۵	۰/۲۳۶	F _۵
۰/۰۵۸	۱/۹۳۵	۰/۱۹۰	F _۶
۰/۸۰۶	-۰/۲۴۷	-۰/۰۲۴	F _۱
۰/۸۴۴	-۰/۱۹۷	-۰/۰۱۹	F _۳
	۰/۴۵۰		R ^r
	۰/۳۹۲		R ^r تعدیل یافته
	۷/۷۸۳		F

نتیجه‌گیری

سکونتگاه‌های غیر رسمی، بافت‌های مسئله‌داری هستند که به توانمندسازی نیاز دارند؛ زیرا تجربه نشان داده که توانمندساختن این سکونتگاه‌ها بهترین راهبرد است. در راستای توانمندسازی این سکونتگاه‌ها، شناخت و ارزیابی کیفیت زندگی آنها بسیار تأثیرگذار است.

در بررسی‌های انجام شده در دو سکونتگاه اسلام‌آباد و صالح‌آباد، مشخص شد که تفاوت‌هایی در اکثر شاخص‌های مربوط به کیفیت زندگی بین دو سکونتگاه وجود دارد. یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که در بیشتر شاخص‌ها، محله شهری اسلام‌آباد از وضعیت مساعدتری درمقایسه با صالح‌آباد برخوردار است. همچنین در بخش تحلیلی و هنگام مقایسه میانگین تک‌تک شاخص‌ها با یکدیگر در دو سکونتگاه، مشخص شد از ۲۶ شاخص مطرح‌شده، میانگین پاسخ‌ها در اسلام‌آباد بیشتر از صالح‌آباد بوده است و فقط در شش شاخص، میانگین رضایتمندی در صالح‌آباد بالاتر از اسلام‌آباد است. بنابراین بر اساس خروجی آزمون تی و مقایسه میانگین پاسخ‌های به‌دست‌آمده در مورد تک‌تک گویه‌ها و با توجه به یافته‌های توصیفی، فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه میزان رضایتمندی از وضعیت کیفیت زندگی در بین ساکنان دو منطقه صالح‌آباد و اسلام‌آباد تفاوت معناداری دارد، اثبات می‌شود.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی و تحلیل رگرسیون نیز نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در دو سکونتگاه متفاوت است؛ به‌طوری که در اسلام‌آباد مهم‌ترین عامل مؤثر، عامل کلی «وضعیت بهزیستی» با زیر مجموعه‌ای از متغیرهای رضایت شغلی، رضایت از وضعیت سلامت خانواده، رضایت از موفقیت‌های کسب شده در زندگی، رضایت از قابل اعتماد بودن مردم شهر و امیدواری به آینده است؛ در حالی که در صالح‌آباد مهم‌ترین عامل مؤثر بر کیفیت زندگی، عامل «رضایت اقتصادی و امنیتی» با مجموعه متغیرهای رضایت از درآمد، رضایت از فرصت‌های شغلی، رضایت از حمل و نقل عمومی، رضایت از محله، احساس امنیت، رضایت از خدمات امنیتی و رضایت از قابل اعتماد بودن مردم شهر است. به‌گفته دیگر، در هر سکونتگاه مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های کیفیت زندگی متفاوت است و این موضوع نشان می‌دهد که کیفیت زندگی با توجه به موقعیت مکانی دارای تفاوت است. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش، فرضیه دوم در شهر صالح‌آباد اثبات شده، اما در محله شهری اسلام‌آباد رد می‌شود.

منابع

1. Abedin Dorgoush, S., 2004, **Introduction to Urban Economics**, Third Edition, Tehran University Publication Center, Tehran. *(in Persian)*
2. Costanza, R., Fisher, B., Ali, S., Beer, C., Bond, L., Boumans, R., Danigelis, N., Dickinson, J., Elliott, C., Farley, J. and Et al., 2006, **Quality of Life: An Approach Integrating Opportunities**, Human Needs, and Subjective Well-being, Ecological Economics, Vol. 61, No. 2-3, PP. 267-276. *(in Persian)*
3. Das, D., 2008, **Urban Quality of Life: A Case Study of Guwahati**, Social Indicators Research, Vol. 79, No.88, PP. 297-310. *(in Persian)*
4. Dissart, J., Deller, S., 2000, **Quality of Life in the Planning Literature**, Journal of Planning Literature, Vol.187, No.15, PP. 135-161. *(in Persian)*
5. Foo, T.S., 2000, **Subjective Assessment of Urban Quality of Life in Singapore**, 1997 & 1998, Habitat International, Vol. 24, No. 1, PP. 31-49. *(in Persian)*
6. Gharakhlou, M. and Sharifi, A., 2004, **The Emergence, Evolution, Physical and Socio-Economic Status of Marginalized (Case Study: Ahvaz Same Neighborhood)**, Geographic Research, , No. 50, PP. 87-102. *(in Persian)*
7. Harvey, D., 1997, **Social Justice and the City**, Translated by F. Hesamyan, Processing and Urban Planning Tehran. *(in Persian)*
8. Hoseinzade Dalir, K., 1982, **Marginalized of Tabriz**, University of Tabriz, Tabriz. *(in Persian)*
9. Hyraskar, J.K., 1997, **Brmbany Income Urban Planning**, Translating Ahmad Mohammad Soleimani and Individual Unit, tarbiat moalem, Tehran. *(in Persian)*
10. Ibrahim, M. and Chung, W., 2003, **Quality of Life of Residents Living Near Industrial Estates in Singapore**, Social Indicators Research, Vol. 214, No. 61, PP. 203-225. *(in Persian)*
11. Kokabi, A. and Mohammad Jafar M.R. and Taghvai, A.K., 2005, **Quality of Urban Life Urban Planning, Definitions and Indicators**, Journal of Urban Inquiries, Vol. 4, No. 12, PP. 148-154. *(in Persian)*
12. Lee, Y. J., 2008, **Subjective Quality of Life Measurement in Taipei**, Building and Environment, Vol. 43, No.7, PP. 1205-1215. *(in Persian)*
13. Pacione, M., 1986, **the Use of Objective and Subjective Measures of Quality of Life in Human Geography**, Progress in Human Geography, Vol. 6, No. 4, PP. 495-514. *(in Persian)*
14. Rezvani, M.R. and Mansourian, H., 2008, **Measure of Quality of Life: a Review of Concepts, Measures and Models and Provide a Model for Rural Areas**, Journal of Rural Development, Vol. 11, No. 3, PP. 225-278. *(in Persian)*
15. Romney, D.M., Brown, R.I. and Fry, P.S., 1994, **Improving the Quality of Life: Prescriptions for Change**, Social Indicators Research, Vol. 33, No. 1-3, PP. 237-72. *(in Persian)*
16. Statistical Center of Iran, **the Detailed Results of the Population and Housing Census Years 1956, 1966, 1976, 1986, 1996, 2006 in Tehran**, *(in Persian)*
17. UN-HABITAT, 2005, **Slums of the World: the Face of Urban Poverty in the New Millennium?** Available from: <http://www.unhabitat.org>.
18. Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G. and de Hollander, A., 2003, **Urban Environmental Quality and Human Well-being: towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts**, a Literature Study, Landscape and Urban Planning, Vol. 65, No. 1-2, PP. 5-18. *(in Persian)*